

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه خطبه جمعه

۲۸ اوت ۲۰۲۰ مصادف با ۰۷ شهریور ۱۳۹۹

سیدنا امیر المومنین پنجمین خلیفه حضرت مسیح موعود علیه السلام بتاريخ ۲۸ اوت ۲۰۲۰ مصادف با ۰۷ شهریور ۱۳۹۹ در مسجد بیت المبارک اسلام آباد خطبه جمعه ایراد فرمودند که با ترجمه شده در زبان های مختلف بر ایم تی ای زنده پخش شد. حضور انور فرمودند:

بعد از تشهد، تعوذ، تسمیه و تلاوت سورة الفاتحه حضور پر نور آیت ۱۷۳ از سورة آل عمران با ترجمه تلاوت فرمودند. سپس افزودند

ذکر خیر اصحاب جاری بود و بخشی از ذکر خیر حضرت زبیر باقی مانده بود که قرار بود عنوان کنم. آیه ای که همینک خوانده ام، درباره آن حضرت عائشه رضی الله عنها به عروه، خواهرزاده خود گفت: نیاکانت زبیر و ابوبکر از اصحاب ذکر شده در این آیه بودند، وقتی که در جنگ احد حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم زخمی شدند و مشرکان برگشتند با وجود زخمی بودن خود به ندای خدا و پیامبرش لبیک گفتند.

حضرت علی تعریف می کنند که من با گوش های خود از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم شنیدم که طلحه و زبیر در بهشت همسایه من خواهند بود.

حضرت زبیر شامل اصحاب عشره مبشره بود و از آن اصحاب کبار بود که در میدان جنگ جلوی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم می جنگیدند و در نماز پشت سر ایشان می ایستادند. به نظر حضرت خلیفه دوم حضرت مسیح موعود وی یکی از پانزده کاتبان وحی بود. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم حضرت زبیر بن عوام را در هنگام غزوه ای به دلیل بیماری خارش بدن اجازه داده بودند که پیراهن ابریشم بپوشد.

حضرت خلیفه دوم مسیح موعود می فرمایند: حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به حضرت زبیر از زمین های دولتی چنان تکه بزرگ عطا کردند که در آن اسب

حضرت زبیر تا آخرین نفس خود می‌توانست بدود. به نظر شان این قطعه نزدیک به بیست هزار هکتار زمین می‌شود که به او داده شد.

در سالی که بیماری خونریزی بینی شیوع پیدا کرد، حضرت عثمان بن عفان هم به شدت خون‌دماغ شدند مردم از ایشان خواستند که کسی را خلیفه [بعدی] منصوب کنند. آن وقت نام زبیر به ایشان گفته شد. حضرت عثمان گفتند: سوگند به آن ذاتی که جانم در دست اوست، تا جایی که من می‌دانم، وی از میان این مردم قطعاً بهتر است یعنی حضرت زبیر به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم هم بیش از همه عزیز بود.

حضرت زبیر رضی الله عنه می‌فرمود که باری، من با یک صحابی انصاری که از اصحاب اهل بدر بود، در حضور حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم درباره کانال آب که با آن مزرعه خود را سیراب می‌کردیم، اختلاف پیدا کردم، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم برای رفع این نزاع فرمودند: زبیر، تو پس از سیراب کردن زمین خود برای همسایه خود هم آب را بگذار [تا او هم بتواند مزرعه خود را آب بدهد] آن انصاری از این تصمیم خوشش نیامد و گفت: یا رسول الله، او پسر عمه‌تان است، به خاطر همین اینطور دارید داوری می‌کنید. آنگاه رنگ صورت مبارک آن حضرت صلی الله علیه و سلم تغییر کرد و ایشان خطاب به حضرت زبیر رضی الله عنه فرمودند: از این پس تو مزرعه خود را سیراب کن و تا زمانی که آب به منتهای خط فاصل زمین نرسد، آب کانال را رها نکن، حضرت زبیر می‌فرماید که بخدا فکر می‌کنم که این آیه زیر درباره این رخداد نازل شده است: «فلا و ربک لا یومنون... تا به آخر» یعنی سوگند به پروردگارت که آنان هیچگاه نمی‌توانند مومن باشند مگر این که در امور خود تو را داور خود بپذیرند و سپس وقتی که درمیانشان نزاعی پیش بیاید آنگاه هر داوری که تو بکنی، نسبت به آن در دل خود احساس نارضایتی نداشته باشند و [بلکه درباره آن] فرمانبرداری کامل پیشه نمایند.

حفص بن خالد می‌گوید که تمام بدن حضرت زبیر پر از نشانه‌های زخم‌های شمشیر بود، به او گفتم: بخدا من روی بدنت چنین نشانه‌ها را دیده‌ام که بر بدن هیچ کسی دیگر ندیدم، سپس فرمود: به خدا قسم، این تمام زخم‌ها را من در راه خدا به همراه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در جنگ‌ها برداشته‌ام.

حضرت عثمان، حضرت مقداد، حضرت عبدالله بن مسعود و حضرت عبدالرحمن بن عوف [نسبت به دارایی‌های خود] به حضرت زبیر وصیت کرده بودند، پس وی از اموال این افراد نامبرده محافظت می‌کرد و از اموال خود بر بچه‌هایشان خرج می‌کرد. درباره حضرت زبیر نوشته شده است که وی هزار برده داشت که به او خراج یعنی درآمد زمین را پرداخت می‌کردند اما وی هیچ چیزی از آن را به خانه نمی‌آورد بلکه همه را صدقه می‌کرد. حضرت عمر فرمود: حضرت زبیر یکی از ستون‌های دین است.

از حضرت عبدالله بن زبیر مروی است که وقتی که حضرت زبیر در روز جنگ جمل به میدان آمد، مرا به نزد خود فراخواند و من درپهلویش ایستادم. وی به من گفت: پسر عزیزم، امروز من در حالت مظلومی کشته می‌شوم و به وی بابت پرداخت قرض هدایات داد. حضرت زبیر اینطور قرضدار شد که مردم نزد او اموال خود را به عنوان امانت می‌آوردند ولی حضرت زبیر به آنها می‌گفت که خیر، اموالتان را به عنوان امانت قبول نمی‌کنم ولی به عنوان قرض قبول می‌کنم.

حضرت عبدالله بن زبیر تعریف کرد که من قرضش را حساب کردم، آن دو میلیون و دویست صد هزار بود. حضرت زبیر به عبد الله بن زبیر هدایت فرمود که اگر از ادای آن قرض عاجز شوی از مولای من کمک بگیری یعنی از خدای من پس هر گاه در پرداخت قرض مواجه مشکلی می‌شدم همین را می‌گفتم که ای مولای زبیر قرضش را پرداخت کن پس خدا انتظام آن را می‌کرد. بعد از پرداخت قرض حضرت عبد الله بن زبیر تا چهار سال متوالی در ایام حج منادی می‌کرد که اگر کسی به گردن زبیر قرض دارد بیاید ما پرداخت خواهیم کرد. بعد از این عبد الله بن زبیر میراث وی تقسیم کرد. طبق روایات مختلف کل دارای وی بالغ بر سی و پنج میلیون و دویست هزار تا پنجاه و دو میلیون بیان شده است.

در بیان تفصیل انتخاب خلافت حضرت علی حجت مصلح موعود فرموده است که: وقتی واقعه شهادت حضرت عثمان رخ داد، فتنه‌جویان هم سریع به نزد حضرت علی آمدند و گفتند که الان اندیشه می‌رود که دولت اسلامی ازبین رود، پس شما از مردم بیعت بگیرید تا ترس به اطمینان خاطر تبدیل شود و حضرت علی را بر گرفتن بیعت مجبور ساخت. بعداً گروهی از این مفسدین از حضرت طلحه و حضرت زبیر بزور بیعت گرفت. این هر دو اصحاب تحت این شرط بیعت کرد که قصاص حضرت عثمان بزودی گرفته بشود و وقتی این امر به تعویق افتاد هر دو اصحاب از بیعت کنار کشیدند و از

مدینه رفتند. گروهی که در قتل عثمان دست داشت حضرت عائشه بر برای خروج تحریض نموده بود. در ابتدا حضرت طلحه و زبیر هر دو با حضرت عائشه هم دستی کردند اما حضرت زبیر از زبان حضرت علی این پیش بینی پیامبر اکرم را شنیده قبل از آغاز جنگ کناره گیری کرد که اگر با علی می جنگی مرتکب ظلم و تعدی می شوی. حضرت طلحه نیز قبل از وفاتش بدست حضرت علی بیعت کرد.

ابن جرّموز حضرت طلحه را هنگام برگشت از جنگ جمل شهید کرد. وقتی ابن جرّموز سر و شمشیر حضرت زبیر را پیش حضرت علی آورد ایشان فرمودند این شمشیری است که توسط آن اضطراب و بیثباتی پیامبر اکرم صل الله علیه وسلم را فرو نشانده بود اما حال در مقتل های اموات و مفسده است. سپس ایشان به ابن جرّموز وعید جهنم داد و گفت که پیامبر اکرم صل الله علیه وسلم فرمودند که هر نبی حواری دارد و حواری من زبیر است. حضرت زبیر در وادی سوا دفن شدند. حضرت زبیر موقع شهادت ۶۲ ساله بودند و طبق برخی، ایشان ۶۶ یا ۶۷ ساله بودند. وی در اوقات مختلف متعدد ازدواج کرد و بکثرت اولاد به دنیا آورد. حضور پر نور اسامی هفت ازواج و هیجده اولاد حضرت زبیر را تعریف کردند.

در قسمت دوم خطبه جمعه حضور پر نور ایده الله تعالی بنصره العزیز ذکر خیر سه مرحومین کردند و اعلام اقامه نماز میت غایب شان فرمودند.

اولین از آنها ذکر آقای الحاجی ابراهیم مبائع است که سومین معاون امیر کشور گامبیا بود و دهم اوت ۷۶ سالگی وفات یافت. انا لله و انا الیه راجعون. او در سال ۱۹۶۱م، ۱۹۶۲م به جماعت احمدیه گروید. مدام در فداکاری مالی پیشی می جست. به تلاوت قرآن شغف داشت و عاشق و وفادار خلافت بود. تا مدت طولانی بعنوان معاون امیر توفیق خدمت می یافت. علاوه بر این بعنوان افسر جلسه سالیانه، دبیرملی امور خارجه و رئیس مجلس انصارالله گامبیا توفیق خدمت یافت برای کسب تحصیلات عالی در رشته خود به آمریکا رفت و وقتی برگشت خدمت کشور و ملت پرداخت. از پسماندگان وی دو زن، هفت پسر و دو دختر هستند. یک زن وی بنام خانم ثقیبه رئیس تنظیم لجنه اماء الله گامبیا است و یک پسر او واقف زندگی است و از جامعه المبشرین فارغ التحصیل است. همین طور یک پسر وی بعنوان رئیس تنظیم خدام الاحمدیه خدمت کرد.

نماز میت دوم متعلق به مکرم آقای نعیم احمد خان پسر آقای عبد الجلیل خان است که معاون امیر کراچی بود. در پایان ماه آوریل وفات یافت. انا لله و انا الیه رجعون. مرحوم در خدام الاحمدیه به جایگاه مختلف خدمت کرد علاوه بر این قاید مجلس تنظیم خدام الاحمدیه کراچی سپس بعنوان ناظم تنظیم انصار الله کراچی توفیق خدمت یافت. کارگردان موسسه فضل عمر نیز بود. برای جلسه سالیانه برنامه ریزی تنصیب دستگاه نان پز کرده شد و شروع به ساختن دستگاه ها کردند، وی در این ماموریت بعنوان مهندس اعزاز خدمت یافت. متوفی تهجد گزار بود و به عبادات دل بسته بود، به خلافت رابطه اخلاص و وفا داشت.

نماز میت سوم متعلق به خانم بشری بیگم، زن پیمانکار آقای ولی مجد متوفی از آلمان است. وی بتاريخ ۱۹ ژوئیه در ۷۴ سالگی بعلت سکتة قلبی در آلمان وفات یافته بود. انا لله و انا الیه رجعون. پدر بزرگش حضرت میان نظام الدین از منطقه نابها صحابی حضرت مسیح موعود علیه السلام بود. مرتب نماز تهجد می خواند، پایبند نماز بود و میهمان نواز بود، مواظب نیازمندان بود. به قرآن عشق می ورزید. پسماندگان وی شامل چهار پسر و دو دختر است. یک پسر بنام آقای شفیق الرحمان مبلغ سلسله و رئیس مبلغین در نیوزلند است و آقای عتیق الرحمان امروزها اینجا وقف کرده و در اداره دبیر خصوصی در بخش ضبط کار می کرد. رئیس مبلغین آقای شفیق الرحمن نتوانست که در نماز میت مادرش شامل شود.

حضور پر نور برای مغفرت و بلندی درجات فوتشدگان دعا کردند.